

پرورش وجدان

مشعل وجدان در وجود هر فردی قرار داده شده،
امان‌یاز به ماده سوخت دارد تا خاموش نشود!

یافتند و به اصطلاح آدم بی وجدانی شود.
میگویند: خان مقول از سرداران خود در يك جلسه
خصوصی سؤال کرد:

- آیا هرگز اتفاق افتاده که یکی از
شما در برابر این همه کشتارها و خونخواریها
احساس ناراحتی یا ندامت کند؟!
همه خاموش ماندند، جز یکی از آنها. او گفت:
من داستانی دارم. وارد خانه‌ای شدم طفلی در
گهواره‌ای خفته بود. بادی من خنده شیرینی بر-
لبانش نقش بست و شروع کرد به دست و پا زدن. من
سر نیزه‌ها در دهانش گذاشتم و او به خیال اینکه پستان
یا انگشت مادر است، شروع به مکیدن کرد. چیزی
نمانده بود که من تحت تأثیر قرار گیرم و حس
ترحم تحریک شود، ولی مجال ندادم و نیزه را در

یکی از امتیازهای انسان بر سایر حیوانات در این
است که در قبال زشتکاریها و تجاوزهای ظالمانه
خود، در شرائط معینی احساس ندامت و مسؤولیت
میکند.

گرگ گوسفند را پاره میکند و میخورد، بدون
اینکه از اینکار احساس ندامت و ناراحتی کند. ولی
انسان بخاطر همین امتیازی که بر حیوانات دارد،
ممکن است پس از چیره شدن بر حریف و بخاک
کوبیدن رقیب حالتی پیدا کند که برایش غیر قابل
تحمل و سهمگین باشد.

همانطوری که انسان با کج رویها و خود فراموشیها،
بسیاری از ارزشهای خود را زیر پا نهاده، تعطیل می
کند، گاه ممکن است تحت تأثیر درنده خوئی و
قدرت پرستی قرار گیرد و بطور کلی وجدانش از کار

حلقومش فرو بردم و کارش را ساختم!

هنگامی که خوی انسانی افراد مسخ شود، نه تنها از اینگونه کارها وجدانشان تحریک نمیشود و حالت ندامت پیدا نمیکند، بلکه ممکن است احيانا لذت هم ببرند!

افرادى بودند که بر اثر انحراف در منش انسانی آنها، در کاسه سر رقیب «می» می نوشیدند و جسم بیجان او را به آتش میکشیدند یا در زیر لگد و مرکوب خود قرار می دادند.

هند زوجه ابوسفیان و مادر معاویه، جگرافسر - رشید اسلام - حمزه - رادردهان گذاشت و جوید و از جگرو گوش و بینی او و سایر شهیدان برای خود گلوبند ساخت (۱) بله، حتی زنی که میگویند احساسات رفیق و لطیف دارد، ممکن است گرگ و بدتر از گرگ شود!

جنازه زید فرزند امام زین العابدین (ع) را سالها بر سر «دار» نگاه داشتند و پس از آن اسکلت خشکیده او را آتش زدند و خاکسترش را بر باد دادند.

قوم ابراهیم، برای حمایت از بتهای خویش آنچنان آتشی برای سوزاندن ابراهیم برافروختند که اگر منجنیق - یا وسیله جرنقیل آن روز - پیدا نمیشد، قادر نبودند آن قهرمان یگانه توحید را تسلیم شعله های آتش کنند.

در حالی که: همان وقت که ابراهیم شکستن بتها را حواله به بت بزرگ میداد و به آنها میگفت: بروید از خود بتها پیرسید تا اگر قادر به تکلم هستید، حقیقت

امر را به شما بگویند، هنوز وجدان نیم خفته آنها رقیبی داشت و در برابر این منطق، خود را ملامت کرده، به ستمکار بودن خود اعتراف کردند. (۲)

ولی افسوس که این وجدان، ناتوان تر از آن بود که بتواند دنبال این منطق عالی را بگیرد و تا لحظه پیروزی حق تلاش کند.

بالعکس آنان که دارای وجدان سالم و پیدار هستند، اگر هم تحت تأثیر حالات و جریانهای مخصوصی دست به جنایاتی بزنند، همینکه به حال عادی برگشتند، در برابر محاکمات قاضی دادگر - وجدان شکست میخورند و ملامتهای سخت وجدان، آنها را دچار ندامت و ناراحتی شدید میکند.

همان افسر جسور آمریکایی که شهر هیروشیما را بمباران کرد، علیرغم همه تمویقهای دولت و ملت آمریکا و پادشاهی که گرفته بود، سرانجام زیر ضربات کوبنده ملامت وجدان از پای درآمد و دیوانه شد.

حداقل نتیجه این دیوانگی این است که افراد دیگر از سرنوشت او درس عبرت بگیرند و جنایت او را تکرار نکنند!

«اوپنهاایمر» دانشمندی است که سازنده بمب هیروشیماست، او برای این کارش هفت میلیون دلار دستمزد گرفت و ریاست کمیسیون تحقیقات انرژی اتمی آمریکا به او محول شد.

اما کم احساس ندامت کرد و این حالت ندامت او را به سختی تحت فشار قرارداد و سرانجام متوجه

۱- سیره این هشام مصر ۱۳۵۵ هـ جزء ۳ ص ۹۶ و ۹۷

۲- فرجعوا الی انفسهم قالوا انکم انتم الظالمون (انبیاء ۶۴)

شدگهای بس بزرگ کرده است. اومیگفت :

— در مغز من نقطهٔ سباهی پیدا شده است
اگر نور هزار خورشید بر آن بتابد، از
بین نخواهد رفت!

پول و مقام، اورا اشباع نکرد، برای تخفیف
آلام وجدانی خود پولها را یکجا به مؤسسات خیریه
وا گذاشت و از مقام خود استعفا نمود.

«اوپنهایمر» دیوانه نشد ولی به همهٔ مردم جهان
نشان داد که وجدان انسانی او این قدرت و این نیرو-
را دارد که بتواند اورا وادار کند که از پول و مقام
چشم پوشد و از این وهگذر از فشار ملامت وجدان
خود بگذرد.

بهین جهت است که دین نیز از طریق نشان دادن
راه توبه و کفاره و ارضاء خاطر مظلوم و بازماندگان
سعی کرده است تا سرحد امکان، افراد را از ملامت
وجدان آسوده کند و به آنها آرامش و آسایش خاطر
بدهد.

متأسفانه عده‌ای از روانشناسان و روانکاوان
خواستند وجدان اخلاقی را تا سرحدیک پدیده
اجتماعی و یک تربیت خاص مربوط به محیط تنزل
دهند و از اینکه ریشهٔ آن در سرشت آدمی است بعنوان
یک خوی ثانوی و یک صفت اکتسابی یاد کنند.

اما اهل تحقیق بر این عقیده اند که: «ازیکسو
مشاهدهٔ بیماریهای روحی و ازسوی دیگر واکشهای
روحی طبیعی، قضایائی را نشان میدهند که بر اهمیت
فراوان وجدان اخلاقی و فرق آن بایک خصیصه
اجتماعی گواهی میدهند. مثلاً شخص احساس خطا

نسبت بدیگری دارد، این احساس در باطن می ماند
ولی روح، ناآسوده می شود و به ریشهٔ عصبی دردناک
گرفتاری آید و نوعی احساس باطنی اتهام که تحمل
ناپذیر است بدو دست میدهد... به آسانی می توان
دید که یک مقصر اگر چه مطلقاً از تقصیر او آگاه نباشند
بسیار یمناک است و بی آنکه کسی از او دلیل بخواهد
بر بیگناهی خود دلائلی می آورد و برای انحراف
توجه دیگران از خود، هنگام نیاز، دیگری را به خطا
متهم میکند» (۱)

بشر از بی وجدانی افراد، خسارت های بسیار بزرگ
و سنگینی متحمل شده است. این خسارتها، هم جنبهٔ
فردی دارند و هم جنبهٔ اجتماعی. زیرا ازیکسو جامعه
ضرر میکند که به حق آن تجاوز می شود و حیثیتش
بر باد می رود و مقررات و قوانینش زیر پا گذارده می-
شود، و ازسوی دیگر فردی که تجاوز میکند خود
مورد تجاوز واقع می شود زیرا تجاوزکننده ممکن
است هنوز بارقه‌ای از وجدان در درونش روشنی
بدهد و همین بارقه؛ سرانجام آتشی فروزان شود و
هستیش را خاکستر کند. وضع انسانی هم که مورد
تجاوز قرار گرفته، معلوم است.

برای فراد از همین مضرات است که باید به حمایت
وجدان انسانی برخاست.

وجدان؛ قیامت و رستاخیز درونی انسان است.
همان محاسبات عادلانه‌ای که در قیامت کبری برای
انسان در پیش است، در دایرهٔ وجدان نیز انجام میگیرد،
مگر نمی گویند: هر چه در عالم است، در آدم
است! اگر در عالم، معاد هست، در باطن انسان

۱- چه میدانم؟ بیماریهای روحی صفحه ۵۶

دین و ایمان مشعل وجدان را همواره روشن و فروزان نگاه میدارند .

طفلی که در حال بزرگ شدن است، باید وجدانش نیز پرورش یابد ، اینجاست که يك تکلیف بسیار مهم دیگر، درقبال حتی که کودک دارد ، دربرابر مری جوانه می زند .

دین، حامی وجدان است. پیامبران و رهبران بزرگ آسمانی و دینی در راه حمایت وجدان کوشش فراوان کرده اند. علی (ع) بمنظور پرورش وجدان فرزندان خود حسنین (ع) به آنها می فرماید: **وَكُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا**: (۱) دشمن ظالم باشید و یاور مظلوم .

به زمامدار مصر مالك اشتر، دستور داد : **وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَّ الْمُسِيئُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سِوَاةٍ** : (۲) مبادا نیکوکارو بدکار پیش تو در یک ردیف باشند .

بدیهی است که افراد با وجدان میان نیکان و بدان فرق می گذارند و آنها را به يك چشم نگاه نمیکنند.

هم هست. در روز قیامت ، قاضی خداست. این قاضی نهرشوه میگیرد، نه واسطه می پذیرد و نه اغفال می شود، قاضی وجدان نیز چنین است. حکم کننده و شهادت دهنده، خود وجدان است. در قیامت نیز حکم کننده و شهادت دهنده خود خداست. به همین جهت است که قرآن کریم می گوید :

لَأُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَّ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ الْكَوَّامَةِ (سوره قیامت آیه ۲۱)

در این جا قیامت و نیروی ملامتگر - که همان وجدان است - در یک ردیف قرار گرفته اند و این خود شاهد این است که اینها از نظر کیفیت کار باید یکدیگر شباهت بسیار دارند . کسانی که در محکمه وجدان سر بلند و بیگانه اند

در محکمه قیامت نیز بیگانه اند و کسانی که وجدان را از کار انداخته و او را نادیده گرفته اند، قیامت راهم فراموش کرده و منکرند ا

بدون تردید مشعل وجدان در درون هر انسانی تمییه شده است. اما این مشعل احتیاج به ماده سوخت و محیط مساعد دارد و الا ضعیف و خاموش می شود .

نشانه تکامل ایمان

ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتَوْجِبَ الثَّوَابَ وَّ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ: خُلِقَ يَعْشِقُ بِفِي النَّاسِ وَّ وَرَعَ يَخْجُرُهُ عَنِ مَخَارِمِ اللَّهِ تَعَالَى، وَّ جِلْمٌ يَرُدُّهُ عَنِ جَهْلِ الْجَاهِلِ: کسی که دارای سه امتیاز ذیل باشد، هایسته پاداش و نشانه کمال ایمان او است .

۱- اخلاق نیکی که در پرتو آن بتواند با مردم معاشرت کند

۲- پارسائی و برهیزگاری که او را از نافرمانی خدا و ارتکاب کارهای زشت بازدارد

۳- بردباری که او را از جهالت نادانان برهاند - رسول اکرم (ص) نهج الفصاحه ۲۶۶

۱- نهج البلاغه صبحی صالح ص ۲۲۱ ۲- همان مأخذ ص ۲۳۰